

The Role of Artists in Manifesting the Authority and Fame of the Timurids

Vali Dinparast ¹

Department of History, University of Tabriz, Tabriz, Iran

Received: 2024/01/28

Received in Revised Format: 2024/02/17

Accepted: 2024/02/26

Published: 2024/03/20

Abstract

One of the most important developments of the Timurid period was the development of various arts and the emergence of artistic styles. Timur and his successors recruited artists from different regions in their government center and recruited them for their political and cultural goals. The artists displayed the authority, grandeur and glory of the Timurid government with the buildings of numerous palaces and their decoration. At the same time, entertainers were part of the leisure time and spirits of the sultans and government courtiers. Art was a tool used by sultans and government officials to increase their prestige and fame. Investigating the role of Timurid artists in manifesting the authority and gaining the fame of the Timurid government and providing the Timurids' entertainment circles is the subject of this article, which is explained in an analytical and descriptive way, using historical sources, and as a result, it has been shown how did they use art to gain their fame, legitimacy and authority.

Keywords: Artists, Timurids, Authority, Fame.

Cite as: Dinparast, Vali. The Role of Artists in Manifesting the Authority and Fame of the Timurids. *Iranian History of Culture*. 2024; 1(1): 49-64.

Owner and Publisher: University of Tabriz

Journal ISSN (online): 3060-8066

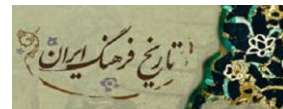
Access Type: Open Access

DOI: 10.22034/IHC.2024.18559

¹ - Associate Professor University of Tabriz

v.dinparast@tabrizu.ac.ir





نقش هنرمندان در تجلی اقتدار و شهرت تیموریان

ولی دین پرست 

گروه تاریخ، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۸ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۱/۲۸ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۷ انتشار: ۱۴۰۳/۰۱/۰۱

چکیده

از تحولات مهم دوره تیموریان رونق انواع هنرها و پیدایش سبک‌های هنری بوده است. تیمور و جانشینانش با گردآوری هنرمندان از مناطق مختلف در مرکز حکومتی خود و آنان را در جهت اهداف سیاسی و فرهنگی خویش به خدمت گرفتند. هنرمندان با بناهای کاخ‌های متعدد و تزئین آنها، اقتدار، عظمت و شکوه حکومت تیموریان را به نمایش گذاشتند. در عین حال هنرمندان مفرح بخش اوقات فراغت و روحیات سلاطین و درباریان حکومتی بودند. هنر ابزاری بود که سلاطین و رجال حکومتی با کمک آن بر اعتبار و شهرت خود می‌افزودند. بررسی نقش هنرمندان تیموری در تجلی ساختن اقتدار و کسب شهرت حکومت تیموری و فراهم نمودن محافل بزم تیموریان موضوع بحث این مقاله است که به روش تحلیلی و توصیفی، با بهره‌گیری از منابع تاریخی به تبیین آن پرداخته و در نتیجه نشان داده شده است که تیموریان چگونه از هنر جهت کسب شهرت و مشروعیت و اقتدار خود بهره گرفتند.

کلیدواژه‌ها: هنرمندان، تیموریان، اقتدار، شهرت.

نحوه ارجاع: دین پرست، ولی. "نقش هنرمندان در تجلی اقتدار و شهرت تیموریان". تاریخ فرهنگ ایران. ۱۴۰۳: ۱(۱)، ۴۹-۶۴.

صاحب امتیاز و ناشر: دانشگاه تبریز

شاپای الکترونیکی: ۸۰۶۶-۳۰۶۰

نوع دسترسی: آزاد

DOI: 10.22034/IHC.2024.18559

مقدمه

هنر از جمله مؤلفه‌های فرهنگی محسوب می‌شود که در طول تاریخ مورد توجه ایرانیان قرار گرفته است. یکی از دلایل رونق هنر در برخی از ادوار تاریخی حمایت مادی و معنوی سلاطین، شاهزادگان و رجال سیاسی از هنرمندان بوده است. دوره تیموریان از جمله مهمترین ادوار تاریخی است که حکومت به دلایل سیاسی، مذهبی و فرهنگی به هنرمندان اهمیت بیشتری داده است. تیمور و جانشینانش از جمله شاهرخ، الغ بیگ و سلطان حسین بایقرا اهمیت بیشتری به هنرمندان قائل شدند. برخی از شاهزادگان تیموری مانند بایسنقر میرزا، ابراهیم میرزا، اسکندر میرزا حامی هنرمندان بوده اند، به همین ترتیب رجال سیاسی این دوره مانند امیر علیشیر نوایی به حمایت از هنرمندان و تربیت آنان پرداختند. در این دوره هنرمندان در خدمت حکومت و صاحبان قدرت قرار گرفتند. آنان با احداث عالی ترین قصر های سلطنتی، اماکن مذهبی و فرهنگی و تزئین آنها، اقتدار، شکوه و عظمت حکومت تیموریان را از طریق آثار معماری به هر بیننده‌ای نشان دادند. به دستور تیمور نقاشان بیشتر صحنه‌های رزم و یا دیدار با علما، شاهزادگان و مجالس بزم او را در دیوار کاخ‌ها ترسیم نموده و بدین شکل قدرت تیمور را به نمایش می‌گذاشتند. معماران، کاشی کاران، و بنایان با احداث مساجد با ایوان‌ها و محراب عالی و کاشی‌های رنگارنگ و... تزئین آنها زیبایی فوق العاده‌ای در مساجد نمایان می‌ساختند.

تیمور و جانشینانش ضمن این که با کمک هنرمندان عالی‌ترین کاخ‌ها و کوشک‌ها را برای آسایش و رفاه خود ساختند، با کمک همین هنرمندان عالی‌ترین مساجد و مدارس و مزارها را بنا کردند. این آثار معماری از نظر زیبایی و بزرگی به شکلی بود که هر بیننده‌ای را به حیرت واد می‌داشت، شاهدان با دیدن این آثار به اقتدار حکومت تیموری پی می‌بردند. چنان که تیمور در بازگشت از لشکرکشی به غرب ایران چون دریافت مسجدی که در سمرقند به دستور او در حال احداث بود، ایوانش کوچک‌تر از ایوان سایر مساجد است فوراً دستور داد آن مسجد را تخریب نموده، و مسجدی بزرگ‌تر و باشکوه‌تر در اندک زمانی احداث نمایند.

سلاطین و شاهزادگان تیموری کاتبان خود را از میان بهترین خطاطان بر می‌گزیدند. این خطاطان نامه‌های حکومتی، کتب ادبی و تاریخی و... را با زیباترین خطوط خوشنویسی به رشته تحریر در می‌آوردند. تیموریان با کمک هنرمندان خطاط و نگارگر اقتدار و شهرت خود را نشان می‌دادند. تیمور در نامه ارسالی خود به سلطان ممالیک مصر به کاتب خود دستور داد نامه‌ای با خط زیبا و با آب طلا بنویسد تا ابهت و عظمت او را نشان دهد. از سوی دیگر تیموریان یکی از راههای جلب نظر علمای این دوره را از طریق نسخه برداری از آثار آنها عملی می‌ساختند. خطاطان با نسخه برداری از آثار علمای مورد حمایت حکومت در خدمت سیاست فرهنگی تیموریان بودند. یکی از راههای حمایت سلاطین از جامی نسخه برداری از آثار او بوسیله خطاطان و تزئین آنها از سوی نگارگران بوده است. سلاطین تیموری یکی از راههای کسب شهرت و اعتبار در جامعه را تولید آثار ادبی و مذهبی می‌دانستند به دستور آنان خطاطان، نگارگران و تذهیب کاران و مجلدان آثار ادبی و مذهبی را تهیه و در اختیار سلاطین دیگر سرزمین‌ها و رجال حکومتی قرار می‌دادند، تیموریان از این طریق شهرت کسب می‌کردند، می‌توان گفت یکی از دلایل گردآوری هنرمندان در دربار در تعقیب این سیاست فرهنگی بوده است.

پیشینه و روش تحقیق

در خصوص هنرمندان دوره تیموری مقالات و آثار متعددی تالیف شده است. معصومه سمائی دستجری، فریدون اللهیاری و اصغر فروغی در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی جایگاه هنرمندان و صنعتگران در دوره تیموریان» به بررسی فعالیت هنرمندان در جامعه دوره تیموری از طیف‌های مختلف به عنوان هنرمندان بازاری و یا درباری پرداخته‌اند. مهناز شایسته‌فر در مقاله «رابطه مذهب و نگارگری دوره تیموریان و اوایل صفویان» بیشتر به تبیین مضامین هنر شیعی در آثار نگارگری این دوره در جهت رواج تشیع پرداخته است. فریدون اللهیاری و وحید عابدین پور در مقاله «علل تحول خوشنویسی و پیوند آن با هویت ایرانی در دوره تیموری» رونق خوشنویسی و تولید آثار ادبی و مذهبی در دوره تیموریان را به عنوان عاملی در جهت حفظ هویت فرهنگی و مذهبی ایرانی مورد بررسی قرار داده‌اند. احمد اشرفی و حسین میر جعفری در مقاله‌ای تحت عنوان «زمینه‌های پیدایش مکتب هنری هرات در عصر تیموری و چگونگی انتقال موارث آنها به عصر صفوی» به بررسی گردآوری هنرمندان از مناطق مختلف در هرات و انتقال هنر ایرانی از بلاد مختلف به این شهر و شکل‌گیری مکتب هرات پرداخته و در نهایت انتقال سبک‌های هنری هرات به تبریز در دوره صفوی را تبیین نموده‌اند، اما در هیچ کدام از این پژوهش‌ها علل و انگیزه‌های تیموریان در جهت نشان دادن اقتدار، عظمت و شکوه و کسب شهرت حکومت از طریق آثار هنری مورد بررسی قرار نگرفته است. در این پژوهش تلاش شده این بخش از سیاست فرهنگی تیموریان مورد بررسی قرار گیرد.

بحث (متن مقاله)

۱. علل و انگیزه تیموریان در حمایت از هنر و هنرمندان

الف) هنر وسیله‌ای در جهت نشان دادن عظمت و شکوه حکومت

هنر و آثار هنری یکی از ابزارهای مهم برای نشان دادن عظمت و شکوه هر حکومت و بانیان آن است. مساجد، کاخ‌ها، قلعه‌ها و سایر ابنیه احداث شده از سوی فرمانروایان و هنرهای تزئینی بکار رفته در بناها، هر کدام معرف بزرگی و عظمت فرمانروایان بانی آنهاست. آثار هنر دوره تیموریان نیز نشانگر عظمت و اقتدار این حکومت است.

۱) عظمت و اقتدار تیموریان در آثار نقاشی

تیمور آوازه قدرت و ابهت حکومت خود را با کمک هنرمندان نقاش در کاخ‌های خود به نمایش می‌گذاشت. ابن عربشاه، نقاشی‌هایی که در کاخ‌های تیمور به دستور او کشیده شده بود، چنین توصیف کرده است: «در بعضی از این کاخ‌ها، مجالس خویش را تصویر نموده، صورت خود را گاه خندان و زمانی خشمگین نقش کرده است. میدان‌های کارزار، مجالس محاصره و مصاحبه با پادشاهان و امرا و سادات و علما، زمین بوسی سلاطین در پیشگاه او، رسیدن پیشکش‌ها و خدمتانه‌ها از اقطار جهان به حضور وی، وقایع سند و دشت و دیار عجم، چگونگی پیروزی و هزیمت دشمنان، صورت فرزندان و نوادگان و سربازان، مجالس شادکامی با جام‌های باده و ساقیان و رامشگران و زنان و آنچه مر او را در همه عمر از حوادث دوران و به ممالک دیگر

مقاله پژوهشی

روی آورده و اتفاق افتاده بدون بیش و کم مصور داشته است که هرکس دورادور احوال وی شنیده، از نزدیک نیز ببیند.» (ابن عربشاه، ۱۳۸۶: ۲۴۵).

نگارگران دوره تیموری در دیواره کاخها، بناها، کتب ادبی و تاریخی نقاشی‌های زیبایی را با مضامین تاریخی، مذهبی ترسیم می‌کردند، از جمله اشکال صور فلکی در کتاب صورالکواکب الثابتة که به دستور الغ بیگ برای رصد خانه سمرقند تهیه شده، در نگاره‌های این کتاب، بیننده گان با دیدن صحنه‌هایی از چوگان بازی، شکار، تشریفات درباری بار عام و شکوه آنها، محسوس زیبایی و عظمت دربار تیموریان می‌شدند (آژند، ۱۳۸۷: ۱۲۸). تیموریان همواره از ابزاری که برای آنان شهرت فراهم می‌کرد و یا علائق درونی آنها را نشان می‌داد، پشتیبانی می‌کردند (شایسته فر، ۱۳۸۴: ۴۵۹).

۲) عظمت و اقتدار تیموریان در آثار معماری

تیمور یکسری اماکن مذهبی «چون مساجد، مدارس و خوانق و اربطه و حیاض و میاه» (حافظ ابرو، ۱۳۸۰)، به عنوان بقای خیرات بنا نمود، از جمله آنها مسجد جامع سمرقند است. او در بنای این مسجد علاوه بر اهداف مذهبی، بدنبال نشان دادن عظمت و اقتدار خود بود. حافظ ابرو در وصف زیبایی و عظمت این مسجد می‌نویسد: «محراب آن از آهن فولاد به اشکال غریب و نقوش بدیع و لطایف کتابت و دقایق صنعت» است، چنانکه هیچ بیننده‌ای نظیر آن را در جهان ندیده: «ناظر دیده در طول و عرض اقالیم سبعة مثل و نظیر آن ندیده» (همان)، همین مورخ می‌آفراید، هنرمندان با بکارگیری انواع هنرها در این مسجد چنان بنایی ساختند که تا انقراض عالم در این بنا خللی ایجاد نگردد: «با فنون آرایش و انواع تکلف و نمایش از احجار یشم به کمال صنعت چنان با یکدیگر ترکیب دادند، که تا انقراض عالم از تعاقب شهو و اعوام نقوش آن از اختلال و بنای آن از اندراس مصون و محروس است» (همان).

تیمور برای بنای چنین عمارتی از معماران بصره، بغداد، فارس، کرمان و حلب کمک گرفت. (همان، ۲۳). وی در بازگشت از لشکرکشی به هند در راستای سیاست مذهبی خود دستور بنای این مسجد را صادر کرد: «مسجدی جهت نماز جمعه گزاردن به عظمت بسازند». به دستور او نود و پنج زنجیر فیل برای حمل سنگ در بنای مسجد بکار گرفته شد (همان، ۸۷۶/۲). تیمور در بازگشت از غرب ایران، در بازدید از بنای این مسجد چون دریافت که ایوان آن کوچک تر از سایر مساجد سمرقند است، دستور تخریت آن و احداث مسجدی با ایوان باشکوه تر را داد (همان، ۱۰۲۶/۲). راقم سمرقندی می‌نویسد: «در اندک فرصت معبدی مهیا کردند که فروغ صفای ساحتش روشن‌تر از مرآت سینه صادقان و قواعد بنایش راسخ‌تر از اعتقاد راست بنیان، پیشطاق عظیم الشأن رفعت توأمان مسجد را که چون خانه کعبه قبله عابدان و محراب زاهدانست و در کتابه‌اش از کتاب مبین آیت عالی درایت عظیم البشارت «وَ إِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ» نشان این معنی می‌دهد و شرفات رفیع الدرجاتش بر فراز فلک الافلاک برتری می‌جوید و از عکس کاشیهای فیروزه گونش آسمان سیمایی رنگ لاجورد گرفته و از شمس‌های زرنگار مهر انجلاش آئینه ماه استعاره روشنایی می‌نماید» (همان، ۳۲).

تیمور در شهر سرای عالی بنیاد نهاد، در این بنا نیز کوشید اقتدار خود را نشان دهد: «استادان خوارزمی را فرمود تا سرای عالی که حالا به آق‌سرای معروف است بنا نهادند. از جمیع قلمرو مهندسان و بنایان در آن عمارت کار کردند، ایوانی عالی و بارگاه پادشاهانه بساختند که به عظمت آن هیچ‌جا نشان نمی‌دهند و نداده‌اند.» (همان، ۵۵۱/۲).

کلاویخو، سفیر پادشاه اسپانیا در دیدار خود با تیمور، از کاخ‌های متعدد سمرقند که در میان باغ‌ها محصور شده بود و تزئینات داخلی آنها گزارش مفصل ارائه نموده است. او در وصف نخستین کاخ تیمور می‌نویسد: «او را دیدیم که در برابر دروازه‌ای نشسته است که به کاخی باشکوه و بسیار مجلل که در پشت وی واقع بود، باز می‌شد» (کلاویخو، ۱۳۴۴: ۲۲۴). وی نام این مکان را باغ دلگشا می‌نامد. تیمور برای آن که کاخ‌های متعدد خود را به کلاویخو نشان دهد، مرتب به کاخ‌های دیگر نقل مکان کرده و سفیر را بدانجا دعوت نموده، بساط مهمانی بر پا می‌کرد، تا شکوه اقتدار خود را به وی نشان دهد، کلاویخو می‌آفزاید. سپس به باغی دیگر به نام باغ چنار رفت، آن کاخ نیز بسیار باشکوه بود (همان، ۲۲۹). چند روز بعد از باغ چنار نقل مکان کرد و به محلی بسیار زیبا رفت، دروازه آن باغ بسیار بلند و زیبا، با کاشی‌های زرین و آبی آرایش شده بود. در میان باغ کاخی زیبا ساخته بودند که نقشه پی و شالوده ی آن به شکل خاج بود (همان، ۲۲۹-۲۳۰).

حافظ ابرو در خصوص احداث باغ دلگشا می‌نویسد: تیمور بنایان و معماران سرزمین‌های مختلف را در سمرقند جمع نمود و از آنان خواست تا باغی دلگشا با انواع درختان و در میان آن کوشک و سرایی پادشاهانه برای وی احداث کنند، قصری که وی عظمت آن را چنین توصیف می‌کند: «سرایی سر به عنان آسمان رسانیده و بنیاد به مرکز زمین فرو برده.» (همان، ۸۲۴/۲). شرف الدین علی یزدی گزارش می‌دهد تیمور مدتی بعد باغ و قصری دیگری بنا نمود. این بار هنرمندان شام، مصر، فارس و عراق را واداشت تا هر چه بیشتر در تزئین و تکمیل آن بکوشند. سنگ تراشان از سنگ مرمر در داخل قصر کندکاریهای بی نظیر با کمال مهارت انجام دادند، کاشیکاران فارس و عراق به غایت نمای قصر را مزین ساختند (یزدی، ۱۳۸۷: ۱۲۵/۲).

شاهرخ در ادامه سیاست پدرش به ساخت باغ قصر های باشکوه می پرداخت. او در شمال شرقی هرات باغ سفید را بنا، و در میان آن کاخی احداث نمود، او نیز بدنبال نشان دادن عظمت حکومت در این بناها بود. عبدالرزاق سمرقندی می‌نویسد: «چهارطاق ایوان مقرنس آن را به طاق مقوس کیوان رسانیده و کنگره قصر رفیعش از نطاق مشتری گذرانیده. ابزار دیوار از احجار یشم مفروش و تماثیل منبت بر آن مثبت و منقوش، هرکس فسحت آن دید یا به آن نزهت‌سرا رسید روح روح‌پرور نقاشان چابک‌دست در هرخانه‌ای کارنامه‌ای پرداخته ...عمارتی چنین عالی و اساسی چون کریاس گردون متعالی به یمن دولت و علو همت آن حضرت به اندک مدتی تمام شد.» (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۸۶: ۱۳۵/۳).

محققین حوزه تاریخ هنر در خصوص بهره‌گیری از استعداد و ذوق هنری هنرمندان برای نشان دادن عظمت حکومت تیموریان اظهار نظر کرده اند: از جمله گلمبگ اشاره می‌کند که: «یکی از مهمترین جنبه معماری تیموری ابلاغ اشتیاق بانی بناها بوده که در منابع ادبی فراوان است. این اشتیاق خواهان خلق زیبایی نبوده، بلکه آن نوع جلال و شکوهمندی را می‌خواست که قدرت سلسله را منعکس سازد. مقیاس و تجمل دو صفت عمده برای نمایش عظمت و رفعت شأن بانی بود.» (ویلبر و گلمبک، ۱۳۷۴: ۲۷۷). شایسته فر در کاربرد نگارگری در آثار معماری تیموری معتقد است که راه یافتن عناصر تزئینی در هنر معماری، اگرچه قبل از دوره تیموریان آغاز شده بود، همزمان با حکومت تیموریان، عظمت و سترگ نمایی در معماری و نیز غنای تزئینات وابسته به آن، به شکوه بی سابقه ای دست یافت. اوج این تحول در کتب هرات و در دوران اوج هنر کمال الدین بهزاد در عرصه نگارگری (اواخر دوره تیموری) شکل گرفت (شاسیته فر، ۱۳۹۲: ۲۱)، معماری دوره ی تیموری به لحاظ کاربرد رنگ، از نظر فنی و تنوع حیرت آور طرح و بافت در اوج خود بوده است (هلینبرد، ۱۳۸۷: ۲۱۳). تویزه‌های گچی و

مقاله پژوهشی

استخوان بندی چوبی حامل قطعات گچی نازکی بود که طاق تزئینی را تشکیل می داد، این طاق ها شاهکار بود. (همان، ۷۵)، معماران تیموری از طاق های مقرنس برای ایجاد جذابیت فضایی و در واقع گونه ای پویایی مهیج در نماهای شان بهره گرفتند (همان، ۷۶).

کلاویخو از جمله سیاحان اروپایی است که با مشاهده بناهای دوره تیمور مبهوت عظمت و اقتدار تیموریان شده است. او در وصف تزئینات و زیبایی یکی از مساجد می نویسد: «هم از بیرون و هم از درون با شکوه و عظمت خاص با کاشی های زرین و آبی رنگ به صورت زیبایی آرایش گشته و نیز گچ بری های تماشایی در پیرامون آن کرده بودند (کلاویخو، ۱۳۴۴: ۲۷۴).

هنرمندان در این دوره در پیاده کردن طرح ها و اسلوب هنری، دقت لازم را داشتند تا جلوه و بزرگی حکومت در آثار هنریشان نمایان شود. احداث بناهای مرتفع برای حکام تیموری و تزئینات این بناها با کاشی های رنگارنگ و معرق، گچبری های عالی و استفاده از لوازم با کیفیت (کنبای، ۱۳۸۹: ۱۸)، تماما در جهت احداث بنائی با شکوه در شان حکومت مقتدر تیموری بوده است. بناهای احداث شده در سمرقند به قدری با شکوه بود که خواندمیر می نویسد: «شهری به آئی معموری و جامعیت در تمامی ربع مسکون موجود نبود» (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۵۵۱/۳)، تزئین کاخ ها و بناهای سلطنتی از سوی کاشیکاران، سنگ تراشان، نقاشان، خوشنویسان و خلاقیت های هنری آنان در بناها چشم هر بیننده را مجذوب خود می کرد.

هرچند در معماری این دوره، فنون تزئینی متنوعی چون سفال لعابدار کنده، آجرکاری، نقاشی دیواری، گچبری و طلاچسبانی رواج داشته اما کاشی کاری تزئین اصلی بوده و به صورت گسترده جهت تزئین قسمتهای مختلف بناها اعم از سردر ورودی، لچکی، ازاره، گنبد و دیوارها به کار برده شده و به بناها، شکوه و جلوه خاصی بخشیده است (صالحی کیا، شاطری، ۱۳۹۸: ۴۳).

عالی ترین بناها در هرات و سمرقند و دیگر مراکز حکومتی شاهزادگان و یا شهرهای زیارتی و تجاری احداث می شد. از جمله اشراف و امرا در یزد در پروژه های عمومی معماری از جمله ساخت بازارها، کاروانسراها و مدارس، مصلی ها، مساجد و سایر ابنیه بیشتر شرکت می کردند (کاتب یزدی، ۱۳۸۶: ۸۳ و ۱۳۴).

یکی از ویژگی های آثار هنری دوره تیموری سرعت را احداث بناهاست. علاقه تیموریان به فرهنگ غنی ایران زمین از یک طرف و نیاز به ساختمان هایی متنوع جهت حفظ اقتدار حکومت مرکزی از طرفی دیگر، تیموریان را بر آن داشت تا در ساخت بناها تعجیل نمایند تا بدین طریق بتوانند در زمانی کوتاه تر، آثار بیشتری را در سرتاسر ایران بنا سازند (رسولی و دیگران، ۱۳۹۹: ۹). به نظر می رسد دولتمردان تیموری در کنار قریحه هنردوستی خود که موجب توجه و علاقه به هنرها می شد، می کوشیدند به واسطه هنر به اغراض سیاسی خود جامه عمل ببوشانند (صالحی و شاطری، ۴۲). دربار آنها از این طریق به اعتبار فرهنگی دست می یافت و این اعتبار فرهنگی نشان از قدرت و اقتدار و حتی مشروعیت آنها در نظر رعایا و رقباشان می شد، در حقیقت برای آنها اعتبار فرهنگی، اعتبار سیاسی در پی داشت (آزند، ۱۸۷).

۳) عظمت و اقتدار تیموریان در آثار خطاطی و خوشنویسی

عظمت و اقتدار حکومت تیموری تنها از طریق آثار معماری آنها به نمایش گذاشته نمی شد، نقاشی ها و خطوط خوشنویسی و از ابزار های دیگر تجلی بخش اقتدار تیموریان بوده است. هنرمندان خطاط در دربار سلاطین و شاهزادگان

تیموری در آثار هنری خود عظمت و شکوه حکومت را به نمایش می‌گذاشتند. بدرالدین محمد تبریزی از هنرمندان خطاط در نوشتن خطوط سه گانه، ثلث، نسخ و نستعلیق مهارت بی نظیری داشت وی کاتب تیمور بود (رفیعی مهرآبادی، ۱۳۴۵: ۳۴). او فرمان‌های بسیاری از طرف تیمور به سلاطین آن زمان کتابت می‌نمود. بدرالدین خط را به قدری زیبا می‌نوشت که هر بیننده‌ای را به اعجاب و تحسین وا می‌داشت (همان، ۳۵). تیمور وقتی سفیری نزد سلطان فرج، فرمانروای ممالیک مصر می‌فرستاد، به بدرالدین دستور داد نامه‌ای خطاب به سلطان مصر بنویسد. بدرالدین محمد به خط زیبا نامه‌ای در ۱۷۰ سطر (اصفهانی، ۱۳۶۹: ۸۷) که متضمن حشمت و عظمت و قدرت امیر تیمور بود، به خط نسخ جلی نوشته و به نزد تیمور آورد خواندمیر می‌نویسد او با خط زیبای خود عظمت و اقتدار تیمور را نشان داد: «مکتوبی بعرض سه گز و در طول هفتاد گز که بآب زر قلمی شده بود بخط ید مولانا شیخ محمد ولد خواجه حاجی بندگیر تبریزی که در حسن خط او سایر خوش‌نویسان آن زمان امتیاز داشت باسم ملک فرج در صحبت ایشان ارسال نمود» (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۵۳۱/۳)، چون تیمور چشمش بدین نامه افتاد، بر خود ببالید و بی اندازه مسرور شد و خلعتی ارزشمند به کاتب بخشید (رفیعی مهرآبادی، ۱۳۴۵: ۳۴).

تیموریان در دربار خود در هرات کاتبانی را به خدمت گرفته بودند تا آثار عبدالرحمن جامی را کتابت نمایند. آثار که جامی تالیف می‌کرد، کاتبان آنها را با خطوط زیبای خوشنویسی کتابت نموده، سپس به نظر جامی می‌رساندند، او آنها را بازبینی می‌کرد (جامی، ۱۳۸۰: ۵)، جامی نسبت به خط نیکو و تاثیر آن در برانگیختن و بدست آوردن احساس خواننده اعتقاد بسیار داشت، به همین خاطر علاقمند بود آثارش از سوی کاتبان با خط زیبا نوشته شود (همان)، حشمت و جاه و مقام و نفوذ جامی در نزد فرمانروایان و امیران عصر که به شعر و هنر علاقه‌ای بودند، سبب می‌شد آنان خوشنویسان را برای کتابت آثار جامی به خدمت بگیرند. خوشنویسان نیز به کتابت آثار او مباحثات می‌کردند. شاهان و فرمانروایان بزرگ از سرزمینهای دور و نزدیک با وی مکاتبه داشتند و آثار او را به رسم تحفه و تبرک به یکدیگر پیشکش و ارمغان می‌نمودند که این خود انگیزه و عاملی مهم در فراهم آوردن نسخه‌های فاخر از آثار جامی بود. نامه‌های بایزید دوم سلطان عثمانی و شاهان و شاهزادگان و امیران وقت که در طلب آثار جامی به او نامه نوشته‌اند و پاسخ‌های جامی به آنان، به نظم و نثر، در کتابها و در مجموعه‌های ترسل و نامه‌نگاری به ویژه منشآت السلاطین فریدون بیک (تدوین ۹۸۲ هـ)، فرائد غیائی و مجموعه نامه‌های جامی باقی مانده است (همان، ۵-۶). میر علی هروی یکی از هنرمندان برجسته هرات در تیموریان بوده است. او توانست به دربار سلطان حسین بایقرا سلطان راه یافته و به کتابت آثار جامی بپردازد. سلطان حسین بایقرا در کتاب مجالس العشاق اشعاری از جامی در حسب حال خود با میر علی و ستایش از او نقل کرده که حاکی از محبت و دلبستگی جامی به میر علی است (همان، ۱۳).

ب) جاودانه ساختن حکومت تیموریان برای آینده گان

تیمور پس از کسب قدرت، کوشید سمرقند را به عنوان مرکز عالی هنر و فرهنگ تبدیل کند. او با غارت خزاین سلاطین سرزمین‌های مختلف، ثروت‌های کلانی بدست آورد. با کمک هنرمندان و پیشه‌وران که به سمرقند انتقال داده بود، در این شهر، بازارها، باغ‌ها، کاخ‌ها، کوشک‌ها، مساجد و... عالی بنا نمود. یکی از اهداف تیمور در بنای این عمارت‌ها جاودانه ساختن نام خود برای آیندگان بوده است.

مقاله پژوهشی

تیمور در لشکرکشی به دشت قیچاق در سال ۷۹۳ه.ق چون بر بلندی کوه الغ طاق مشرف بر دشت وسیع برکه قرار گرفت، دستور داد لشکریان سنگ آورده، نمادی مانند مناره درست کردند، سپس سنگ تراشان تاریخ آن ایام را بر آن سنگ نوشتند تا تسلط و اقتدار تیمور برای آینده گان باقی بماند (شامی، ۱۳۶۳: ۱۸؛ عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۸۶: ۶۳۶/۱).

تیمور برای ماندگاری شهرت و نام خود برای آیندگان دستور داد نهر برلاس را از رود ارس تا بیلقان حفر نمایند. حافظ ابرو این اقدام تیمور را چنین بیان می‌کند: «حضرت صاحب قرانی خواست که آثار پادشاهانه و ذکر خسروانه از او در جهان باقی ماند. بنابراین اشارت عالی نافذ شد تا در اراضی بیلقان موضعی بنا کردند» (حافظ ابرو، ۱۰۰۸/۲). تیمور برای احداث این نهر در زمان کوتاه از نیروی ارتش خود بهره گفت و در مدت یک ماه عملیات احداث نهر را به پایان رساند (همان).

ج) هنر ایزاری مفرح بخش برای حاکمان تیموری

بررسی آثار هنری تهیه شده در دوره تیموریان نشان می‌دهد که هنرمندان تلاش می‌کردند تا بر طبق روحیات حاکمان تیموری آثار هنری را خلق نموده و یا با تهیه آثار هنری موجبات شادی آنها را فراهم سازند، واصفی گزارشی می‌دهد که کمال الدین بهزاد نقاشی‌های متنوع و مفرح بخشی از شکل و شمایل درباریان ترسیم می‌کرد، امیر علیشیر نوایی با دیدن این نقاشی‌ها انبساط خاطر پیدا می‌کردند (واصفی، ۱۳۴۹: ۱۴۹/۲). سلطان حسین بایقرا هر گاه غمگین می‌شد، بهزاد صحنه‌ای شادی آفرین نقاشی می‌کرد. سلطان به مجرد نگاه به آن تصویر اندوه و کدورت از چهره‌اش زدوده می‌شد. این نوع نقاشی‌های بهزاد اکثراً از چهره میر بابا محمود از امرای دربار بود که به اشکال مختلف به زیبایی از وی ترسیم می‌کرد (همان، ۱۴۵).

مشهور است که روزی بهزاد صحنه نقاشی به نزد امیر علیشیر نوایی آورد که در آن باغچه‌ای آراسته مشتمل بر درختان گوناگون و بر روی شاخه‌های آنها مرغان خوش‌صورت بوقلمون و در اطراف درختان جویبارها جاری ترسیم شده بود، امیر علیشیر چون آن را دید بسیار مسرور شد: «آن صحیفه لطیف، ریاض باطنش را به گلهای بهجت و سرور و اطراف حیاض خاطرش را به اشجار فرح و حضور بیاراست و از عندلیب طبعش بر شاخسار شوق و ذوق نوای الاحسن الاحسن برخاست.» (همان، ۱۴۹)

نتیجه

هر چند تیمور با تصرف ایران و سایر سرزمین‌های جهان اسلام ویرانی‌های زیادی را به بار آورد ولی او با تیز بینی خود به خوبی دریافته بود که می‌تواند از اهل فضل و هنر برای دستیابی به اهداف مختلف از جمله کسب مشروعیت مذهبی، تربیت شاهزادگان اهل هنر، بنای آثار معماری به خدمت گرفت. یکی از این اهداف تیموریان از گردآوری هنرمندان در مراکز حکومتی بهره‌گیری از آنان در جهت نشان دادن هر چه بیشتر اقتدار و عظمت حکومت بوده است، تیمور هنرمندان و اهل حرف را از سرزمین‌های متخلف در سمرقند گرد آورد و با کمک آنها در اندک مدتی سمرقند را به صورت شهری زیبا و با شکوه درآورد. هنرمندان با بنای مساجد، مدارس، قصرها و بازارهای بزرگ در سمرقند عظمت و شکوه حکومت تیموریان را به همه سفرا و کسانی که از سرزمین‌های مختلف به سمرقند می‌آمدند، نشان دادند. جانشینان تیمور از جمله شاهرخ و شاهزادگان تیموری

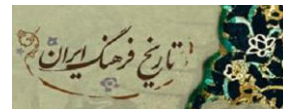
نیز به سیاست گردآوری هنرمندان در هرات، شیراز و اصفهان ادامه دادند. رقابتی سخت بین آنان در جلب بهترین هنرمندان ایجاد شد. سیاست حمایت از هنرمندان به رجال سیاسی نیز سرایت پیدا کرد، افرادی مانند امیر علیشیر نوایی به تربیت هنرمندان پرداختند تا با کمک آنان بر شهرت و اعتبار خود بیفزایند. هنرپروری شاهزادگان و رجال سیاسی تیموری محض همدوستی آنان نبود بلکه یکی از راههای کسب شهرت برای آنان، گردآوری هنرمندان در نزد خود و برپایی مجالس جشن و سرور با حضور هنرمندان ممکن بود. این سیاست فرهنگی تیموریان سبب شد هنرمندان از سرزمینهای مختلف برای بدست آوردن عطایای مادی تیموریان به دربار آنان روی آوردند. برجسته ترین هنرمندان به عنوان معمار، کاتب و منشی سلاطین و شاهزادگان تیموری درآیند. هنرمندان گرمی بخش مجالس جشن و سرور صاحبان قدرت درآمدند. اگر حمایت تیموریان از هنر و هنرمندان نبود نه تنها آثار باشکوه هنری در این دوره خلق نمی شد بلکه امروزه خاطره ای از عظمت و شکوه تیموریان جز جنگ ها و خونریزی های آنان باقی نمی ماند.

تضاد منافع

بدین وسیله نویسندگان اعلام می دارند که هیچ نفع متقابلی از انتشار این مقاله ندارند.

منابع

- ۱- آژند، یعقوب، ۱۳۸۷، مکتب نگارگری هرات، تهران، انتشارات فرهنگستان هنر.
- ۲- ابن عربشاه، شهاب الدین احمد، ۱۳۸۶، زندگی شگفت آور تیمور، ترجمه محمد علی نجاتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۳- اصفهانی، میرزا حبیب، ۱۳۹۶، تذکره خط و خطاطان، به انضمام کمال الملک، ترجمه رحیم چاووشی اکبری، تهران، کتابخانه مستوفی.
- ۴- حافظ ابرو، عبدالله بن لطف الله، ۱۳۸۰، زبده التواریخ، ج ۱ و ۲، به تصحیح سید کمال سید جواد، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۵- خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین، ۱۳۸۰، تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر، با مقدمه جلال الدین همایی، جلد ۳، تهران، انتشارات خیام.
- ۶- جامی، عبدالرحمن، ۱۳۸۰، مرقع نی نامه جامی، به تصحیح مظفر بختیار، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- ۷- راقم سمرقندی، میر سید شریف، ۱۳۸۰، تاریخ راقم، به تصحیح منوچهر ستوده، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- ۸- رسولی، احسان؛ اعتصام، ایرج و متین، مهرداد، ۱۳۹۹، «سبک و تزئین معماری بناهای دوره تیموریان»، مطالعات هنر اسلامی، سال شانزدهم، شماره ۳۷، صص ۱-۱۸.
- ۹- رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم، ۱۳۴۵، تاریخ خط و خطاطان، تهران، امیر کبیر.
- ۱۰- سمرقندی، عبدالرزاق، ۱۳۸۳، مطلع سعدین مجمع بحرین، ج ۳، به تصحیح عبدالحسین نوائی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۱۱- شایسته فر، مهناز، ۱۳۸۴، عناصر هنر شیعی در نگارگری و کتیبه نگاری تیموریان و صفویان، تهران، انتشارات هنر.

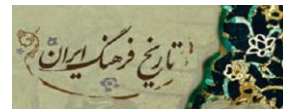


مقاله پژوهشی

- ۱۲- شایسته‌فر، مهناز و سدره نشین، فاطمه، ۱۳۹۲، تطبیق نقوش تزئینی معماری دوره تیموری در آثار کمال الدین بهزاد با تاکید بر نگاره گدایی بر در مسجد، نگره، شماره ۲۵، صص ۱۹-۳۸
- ۱۳- شامی، نظام الدین، ۱۳۶۳، ظفرنامه تیموری، به تصحیح پناهی سمنانی، تهران، انتشارات بامداد.
- ۱۴- صالحی کیا، مریم و شاطری، میترا، ۱۳۹۸، «نمود تزئینات معماری تیموری در نگاره‌های شاهنامه بایسنغری، نگره، شماره ۵۰، صص ۳۹-۵۷.
- ۱۵- کلاویخو، روی گنزalez، ۱۳۴۴، سفرنامه کلاویخو، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، بنگاه نشر و ترجمه کتاب.
- ۱۶- کاتب یزدی، احمد بن حسین، ۱۳۸۶، تاریخ جدید یزد، به کوشش ایرج افشار، تهران، امیرکبیر.
- ۱۷- کنبای، شیلا، ۱۳۸۹، نگارگری ایرانی، ترجمه مهناز شایسته‌فر، تهران، انتشارات موسسه هنر.
- ۱۸- واصفی، زین الدین محمود، ۱۳۴۹، بدایع الوقایع، تصحیح الکساندر بلدوروف، تهران، انتشارات بنیادفرهنگ.
- ۱۹- ویلبر، دونالد، گلمبک، لیزا، ۱۳۷۴، معماری تیموری در ایران و توران، ترجمه کرامت الله افسر، محمد یوسف کیانی، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- ۲۰- هیلنبرد، رابرت، ۱۳۸۷، «جنبه‌های معماری تیموری در آسیای میانه»، ترجمه داورد طبایی، گلستان هنر، ش ۱۴، صص ۸۲-۶۵.
- ۲۱- یزدی، شرف الدین علی، ۱۳۸۷، ظفرنامه، به کوشش سید سعید میر محمد صادق و عبدالحسن نوایی، جلد ۱، تهران، مرکز اسناد مجلس شورای ملی.

آوانگاری منابع

- Azhand, Y. (2008). *Maktab-e negargari-ye Herat*. Tehran: Farhangestan-e Honar.
- Ibn 'Arabshah, Shihāb al-Dīn A. (2007). *Zendeḡi-ye shoguft āvar-e Teymur* (M. A. Nejāti, Trans.). Tehran: Elmi va Farhangi Publications.
- Esfahani, M. H. (2017). *Tazkereh-ye khat va khattātān, be anzemām-e Kamāl al-Mulk* (R. Chavoushi Akbari, Trans.). Tehran: Mostofi Library.
- Hafez Abru, 'A. b. L. (2001). *Zobdat al-tawārikh* (Vols. 1–2; S. K. Seyed Javādi, Ed.). Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Khandanmir, G. D. H. (2001). *Tarikh-e Habib al-Siyar fi akhbar-e aḡrād-e bashar* (Vol. 3; J. D. Homā'ī, Intro.). Tehran: Khayyām Publications.
- Jami, 'A. R. (2001). *Muraqqa'-e Ney Nameh Jami* (M. Bakhtiyār, Ed.). Tehran: Markaz-e Nashr-e Dāneshgāhi.
- Raqam Samarqandi, M. S. (2001). *Tarikh-e Raqam* (M. Sotoudeh, Ed.). Tehran: Bonyād-e Mowqūfāt-e Dr. Mahmoud Afshār.



Rasouli, E., Etesam, I., & Matin, M. (2020). Style and decoration of Timurid architecture. *Motāle'āt-e Honar-e Eslāmi*, 16(37), 1–18.

Rafiee Mehrābādi, A. (1966). *Tarikh-e khat va khattātān*. Tehran: Amīr Kabir.

Samarqandi, 'A. R. (2004). *Matla' Sa'din Majma' Bahrain* (Vol. 3; A. Navā'i, Ed.). Tehran: Motāle'āt-e Olūm-e Ensāni va Farhangi.

Shāyestehfar, M. (2005). *Anāṣher-e honar-e Shī'a dar negargari va ketibe negari-ye Teymuriān va Safaviān*. Tehran: Honar Publications.

Shāyestehfar, M., & Sadre Neshin, F. (2013). Comparison of decorative motifs in Timurid architecture in Kamāl al-Dīn Behzād's works with emphasis on door panels. *Negareh*, 25, 19–38.

Shami, N. al-D. (1984). *Zafarnameh Teymuri* (P. Samanī, Ed.). Tehran: Bāmdād Publications.

Salehi Kia, M., & Shāteri, M. (2019). Depiction of Timurid architectural decoration in Shahnameh Baysonquri miniatures. *Negareh*, 50, 39–57.

Clavijo, R. G. (1965). *Safarnāmeḥ Clavijo* (M. Rajabnia, Trans.). Tehran: Bonyād-e Nashr va Tarjomeh-e Ketāb.

Kateb Yazdi, A. b. H. (2007). *Tarikh-e jadid-e Yazd* (I. Afshār, Ed.). Tehran: Amīr Kabir.

Kanbay, S. (2010). *Negargari-ye Irāni* (M. Shāyestehfar, Trans.). Tehran: Mo'assese-ye Honar Publications.

Vāssafi, Z. al-D. M. (1970). *Badā'i' al-Waqā'i'* (A. Beldorof, Ed.). Tehran: Bonyād-e Farhang Publications.

Wilber, D., & Golombek, L. (1995). *Timurid architecture in Iran and Turan* (K. Afsar & M. Y. Kiani, Trans.). Tehran: Cultural Heritage Organization of Iran.

Hilenbrad, R. (2008). Aspects of Timurid architecture in Central Asia (D. Tabā'i, Trans.). *Golestān-e Honar*, 14, 65–82.

Yazdi, Sh. al-D. A. (2008). *Zafarnameh* (Vol. 1; S. S. M. Sadegh & A. Navā'i, Eds.). Tehran: Markaz-e Asnād-e Majles-e Shorā-ye Melli.